مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

عبدالقیوم میرزاده ۲۰۲۲/۰۶/۰۶

بازی موش و پشک امریکا در افغانستان

اگر نگاهی مختصر برچگونگی مناسبات و روابط کشور ما افغانستان با ایالات متحدهٔ امریکا بیاندازیم، میبینیم که تا قبل از کودتای ثورافغانستان با وصف تعاریف تاریخی وموقعیت سوق الجیش اش برای امریکا از اهمیتی چندان برخوردار نبود وامریکا منحیث میراث دار انگلیس در جنوب آسیا و مناطق خلیج فارس برای تحقق اهداف استراتیژیک اش و نظارت بر جنوب آسیا و بحر هند پاکستان را با موقعیت جغرافیایی خاصتاً راه های بحری و پالیسی متخاصمش با هند وافغانستان جوابده نیازمندی های آنزمان خویش بسنده میدانست وپیوسته نظر حاکم در دستگاه سیاست گزاری امریکا در قبال افغانستان بر این پایه استوار بود که افغانستان باوصف نظریات سیاست گزاران انگلیسی و روسی در بازی بزرگ مبنی بر درب ورودی و کلید آسیا اما برای منافع ایالات متحده امریکا اهمیت چندان ندارد.
در آستانهٔ کودتای ثور ۱۳۵۷ در افغانستان و همزمان با بقدرت رسیدن رژیم اسلامی شیعه مخالف امریکا در ایران (۱۹۷۹) که منتج به بروز اختلال در دسترسی امریکا به خلیج فارس گردید وحمله و تجاوز نظامی اتحاد شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ کشور ما را در متن سیاست خارجی ایالات متحده امریکا ومتحدین غربی اش قرار دادو امریکا و متحدینش را به بازنگری سیاست هایشان در قبال افغانستان ملزم ساخت. آنها مشترکآ سرمایه گزاری های بزرگی نظامی و لوژستیکی و سیاسی را برای سبوتاژ و ناکام سازی سیاست های اتحاد شوروی در جنوب آسیا، در داخل افغانستان ودر ماورای سرحدات کشور ما هزینه کردند که همه این سرمایه گزاری ها و فعل وانفعالات به نابودی کامل مادی و معنوی کشور ما انجامید و نتایج خونبار آن تا هنوز بر حیات کشور ما سایه افگنده که حتی موجودیت افغانستان را منحیث یک کشور مستقل به مخاطره انداخته است. در سایهٔ این حوادث خونبار پاکستان منحیث متحد استراتیژک آنزمان ایالات متحده امریکا وغرب حمایت بی قید وشرط امریکا وغرب را بدست آورده وکمک های میلیاردی از سراسر جهان برایش سرازیر گردید، آنها توانستند با تبلیغات زهر آگین ضد افغانی، تحریک و شوراندن مردم بر علیه حکومت افغانستان با استفاده ازاین کمک های جهانی حدود بیش از سه میلیون افغان را به حیث مهاجر در آن کشور بکشانند و از آنها بطور مستمر در گروپ های چریکی و گروپ های مسلح مخالف دولتی استفاده کنند وهمچنان در دراز مدت آنها رابحیث نیروی ریزف برای فعالیت های تخریبی علیهٔ افغانستان و بسا کشور های جهان دراختیارنگهدارند که تا امروز از این کتله و مماثل پرورده شدهٔ شان در داخل افغانستان بحیث مجاهد،طالب، داعش و نیرو های دولت پنهان در درون دولت در دسترس داشته و استفاده میکند و از همه مهمتر فرهنگ جنگ، تمرد، بغاوت گریز از قانون و اداره را در میان مردم ما نهادینه ساختند که با وصف بیش از چهار دهه جنگ و خونریزی، میلیون ها قربانی و تخریب همه هستی کشور هنوز هم مردم همچنان در ستیزاند و اخیراً برعلاوه جنگ و ستیز شعار ها و اقدامات تجزیه طلبانه نیز برآن افزود گردیده است.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

رشد سرسام آور صنعت و اقتصاد چین در دو دهه واپسین قرن بیستم وتصاحب بخش اعظم مارکیت صنایع و اقتصاد جهانی و تغییرات محسوس در سیاست های دستگاه حاکم پاکستان در نزدیکی بیش از حد با چین باعث گردید تا امریکا به بهانهٔ حادثهٔ یازدهم سپتمبربا یک لشکر ده هاهزارنفری به کشور ما تهاجم نظامی کرد. در نتیجهٔ این تهاجم حکومت طالبان رابا گروهی ازوطن فروشان، جنایتکاران قوماندانان شورای نظاری، تنظیم جمعیت اسلامی، گروه آدمکشان حرفویی مسلح رشید دوستم و حزب وحدت اسلامی زیر نام اتحاد شمال که در سیر فعالیت همهٔ شان بیشتر تمایلات جنگجویانه، نفاق افگنانه، تجزیه طلبانه و دشمنی با اتحاد اقوام ساکن کشور زیر چتر یک افغانستان با ثبات و مقتدرمشهود بود، تعویض کرد وبه این ترتیب امریکا مدیریت اقدامات ضد چین، روسیه، کشور های آسیای میانه و ایران را از طُرق استخباراتی، سیاسی و دیپلوماتیک خود در دست گرفت و نقش پاکستان را در مسایل منطقه به بازیگر فرعی تنزل داد. تا سرحدیکه در بسیاری از مسایل منطقویی سیاست های استراتیژک ایالات متحده امریکا در منطقه با منافع پاکستان در تقابل قرارگرفت، و این مسئله خشم پاکستان واستخبارات نظامی آنرا بر انگیخته و با تشدید فعالیت های خصمانه و تخریبی در وجود طالب وداعش بی ثباتی ونا امنی را در کشور ما به پیش بردند.
این اقدامات همچنان باعث گردید تا چین، روسیه، ایران و جمهوریت های آسیای میانه بیشتر از گذشته فعال گشته و در این پروژه های تخریبی و خصمانه سرمایه گزاری کنند که هر کدام این پروژه ها دقیقاً در خط مقابل منافع ملی ما قرار داشت. متآسفانه بنابر نبود مدیران مجرب سیاسی واداری در افغانستان ونا توانی ادارهٔ دولت افغانستان ازارزیابی عمق قضایای پشت پرده تا سال ۲۰۱۴نتوانستند راه های برون رفت بحران ها را نشانی کنند وجامعه ما در زیر سیطرهٔ امریکا و حمایت شورای نظاریان، جمعیتیان، دوستمیان و سایرمتحدین داخلی و خارجی شان در آستانهٔ یک جنگ داخلی که احتمالاً به تجزیه کشور ما منجر میگردید قرار گرفته بود.
بعد از سال ۲۰۱۴ اقدامات مشهودی از جانب ادارهٔ دولت افغانستان برای احیای روحیه و مورال وطندوستی مردم، احیای سمبول های ملی، باورمندی به همبستگی ملی برای حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، آشتی ملی و اجماع منطقویی با همسایگان و کشور های منطقه بمنظور همنوایی و اشتراک مساعی، احترام به منافع جانبین و حق خود ارادیت در کلیه امور رویدست گرفته شد که متأسفانه این اقدامات از طرف گروپ تجزیه طلب شورای نظاری، جمعیتی، دوستمی وحمایت گران خارجی شان و در بسا حالات با تخویف و تهدید مستقیم امریکایان مواجه گردیدوچون دشمنان قسم خوردهٔ مردم افغانستان با دور زدن دولت جمهوری منتخب افغانستان باطالبان تروریست درب مذاکره و مفاهمه را باز کرده گام بگام به همان پیمانهٔ که این گروه تروریست را صاحب اعتبار و اتوریته میساخت، دولت افغانستان را بی اعتبار و مورال رزمی قوای مسلح کشور را تضعیف میکرد.
به این ترتیب تجاوز و تهاجم مسلحانه امریکا و حمایت شان از گروه های تا دندان مسلح اتحاد شمال و اقدامات خصمانهٔ پاکستان و حمایت آنکشور از طالبان کشور ما را با دو گزینه منحصر ساخت.

- در وجود گروه تجزیه طلب اتحاد شمال اشتعال جنگ داخلی، کشانیدن پای همسایگان مغرض از طریق حمایت تسلیحاتی این جنگ و در بد ترین حالت مداخلهٔ مستقیم نظامی بر کشورما و اعلام کشور و یا کشور های جداگانه در جغرافیای افغانستان.
- دست کشیدن نیرو های مسلح کشور از جنگ در برابر طالبان و جلوگیری از فاجعهٔ جنگ داخلی و ناکام سازی پروژه های استخباراتی امریکا برای ناآرام سازی منطقه.

در تحت همچو شرایط ناگذیری مسئولین ادارهٔ دولت گزینهٔ دوم را پذیرفته و کشور را از یک جنگ تمام عیار داخلی نجات دادند به این ترتیب پروژهٔ را که امریکا مصمم بود زیر نام توافقنامه دوحه هر دوطرف جنگ را برای اشتعال جنگ داخلی تسلیح، تجهیز و آمادهٔ جنگ ساخته بود ناکام ساخته و با بقدرت رسیدن طالبان عجالتاً طرف دیگر جنگ خلع سلاح و از میدان نبرد خارج گردید.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

از همان روز اول بقدرت رسیدن طالبان امریکایان به همکاری متحدین غربی اش در تلاش اند تا موقعیت از دست رفتهٔ خویش را با ذرایع مختلف، به شمول گزینه های فشار، تهدید و حتی اقدام نظامی راه اندازی انفجارات و تقویت گروه تروریستی بنام داعش احیا کنند.
درآخرین گزارش مؤسسهٔ راند یا مؤسسه تحقیقات استراتیژیک امریکا که بتاریخ ۳۰ ماه می سالروان منتشر گردیدآمده است:
«کسب قدرت توسط طالبان تهدیدهای تروریستی از جانب افغانستان را برطرف نساخته است اگرچه طالبان بر اساس توافقنامه ماه فبروری سال ۲۰۲۰ متعهد شدند تا از حملات به ایالات متحده یا متحدانش از افغانستان جلوگیری کند.....
بناً ما رویکردهای جایگزین برای برخورد با امارت اسلامی افغانستان را در سه گزینه کلی برای سیاست ایالات متحده در قبال افغانستان تحت حاکمیت طالبان بررسی می کنیم:
تعامل، انزوا، مخالفت یعنی حذف آنها از قدرت. ما باید ارزیابی کنیم که هر کدام از این گزینه ها چقدر به منافع ایالات متحده خدمت می کنند. برای مقاصد تحلیلی، ما با در نظر گرفتن این سه جهت گیری سیاسی به عنوان گزینه های مجزا شروع به اقدامات عملی می کنیم.»
در این جریان ازاقدامات مقامات وزارت خارجه، بیانات مقامات پنتاگون، سفرها وملاقات های تامس وست نمایندهٔ خاص امریکا برای افغانستان با عناصر مخرب و تجزیه طلب افغانستان وکشور های منطقه چنین بر می آید که ایالات متحدهٔ امریکا بیشتر بر گزینه انزوای طالبان و مخالفت با آنها اتکا دارد. احتمالاً گزینه های تعامل با طالبان را نیز در پیوند با تشکیل (حکومت وسیع البنیاد) به اشتراک بدنام ترین چهره های ضدملی، مفسد، چپاولگر وغلامان حلقه بگوش اش چون داکتر عبدالله عبدالله، خانوادهٔ مسعود، دوستم، محقق، معلم عطأ و دیگران که زمینه را مجدداً برای اشتعال جنگ داخلی مساعد گردانند، تحت بررسی دارند.
در گزارش اخیر مؤسسهٔ راند همچنان بر اعتباراخلاقی جهانی ایالات متحدهٔ امریکا نیزچنین تأکید بعمل آمده است:
«آمریکا همچنین دارای منافع اخلاقی و اعتباری می باشد تا نه تنها در تضمین خروج مصؤن آمریکایی ها و افغان هایی که به دلایل حمایت های قبلی آنها از تلاش های آمریکا در افغانستان به معرض خطر هستند، بلکه در کمک به تعداد بسیار بیشتری از افغان هایی که در کشور باقی مانده اند خود رامتعهدمیداند.»
امریکا بوسیلهٔ نمایندهٔ خاص اش تامس وست این تعهد را در بقدرت رساندن مجدد بدنام ترین، مفسد ترین و خاین ترین چهره های روسیاه افغانستان که غلامان حلقه بگوش امریکایان میباشند، چون عبدالله عبدالله، قانونی، محقق، دوستم، برادران و پسرمسعود، عطأمحمد نور، سیاف، میر رحمان رحمانی، ایزدیار، لطیف پدرام، رحمت الله نبیل، صلاح الدین ربانی، تورن اسمعیل و دیگران میخواهند منافع اخلاقی و اعتباری خویش را در جهان احیا کنند.
از همه این قراین و فرود و فراز های روابط امریکا با افغانستان به این نتیجه میرسیم که امریکا از آوان روابط مطرح اش با افغانستان نه از مجاری روابط بین الدول، مناسبات سیاسی – اقتصادی – نظامی با کشور ما تأمین روابط کرده بلکه دیدگاه ها و روابط اش صرف از ورای فعالیت های استخباراتی با مشتی از مزدوران جنایتکار، تروریست، قاچاقبر و اجنت های استخبارات فعالیت ها و اهدافش را به پیش برده و هیچنوع مسئولیت اخلاقی، بشر دوستانه در میان نبوده وهیچ یک از مواد میثاق های بین المللی را در زمینه مراعات نکرده ومردم افغانستان اعم از زن و مرد ونورم های حقوق بشری برایشان اهمیتی نداشته است. آنها منافع خویش را در بی ثباتی، جنگ افغان کشی و خشونت میبینند و این کار را بوسیلهٔ مشتی از جنگجویان، تروریستان، قاچاقبران و قاتلان انجام داده است و در ادامه همچنان در همین مسیر شتابان روان است که مقاومت های مستقر در تاجکستان و ترکیه و گردانندگان چاکر منش استخباراتی شان دقیقاً در همین راستا برای منافع امریکا خدمت میکنند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ